
بازشناسی منابع کلینی در تدوین کافی

* عبدالرضا حمادی

** سید علیرضا حسینی

چکیده:

کتاب کافی، مهم ترین اثر برجای مانده از دوره حدیث پژوهان پیشین به شمار می رود. این کتاب که دربردارنده موضوعات اعتقادی، اخلاقی و رفتاری است، به سبب باب بندی قوی و دریافت احادیث، از مهم ترین نویسندگان حدیث شیعه، از آغازین روزهای عرضه، مورد استقبال جامعه علمی شیعه قرار گرفت. در این مقاله، به بازشناسی منابع کلینی در تدوین کافی پرداخته شده تا اتقان این کتاب روشن گردد، زیرا از نگاه قدما، صحت حدیث مبتنی بر دریافت آن از اصول مورد اعتماد اصحاب است. این پژوهش نشان می دهد که تجلیل بزرگان از کافی به دلیل اخذ روشمند کلینی از مهم ترین کتب اصحاب است و اعتبارسنجی احادیث کافی به روش حوزه حله با روش کلینی در تدوین کتاب خویش هم خوانی ندارد و لازم است در راستای اعتبارسنجی روایات کتب پیشینیان، منابعی که مؤلفان، احادیث کتاب خود را از آن ها دریافت کرده اند، شناسایی و ارزش گذاری شود.

کلیدواژه ها: تدوین کافی، منابع کلینی، منابع مکتوب شیعه، روش قدما در تدوین احادیث.

* کارشناس ارشد علوم حدیث (گرایش کلام) / hammadi.a.r@gmail.com

** استادیار دانشگاه قرآن و حدیث / sahosini14@gmail.com

درآمد

کتابت از مهم‌ترین مؤلفه‌های حفظ فرهنگ و میراث بشری به شمار می‌رود. سنت الهی بر حفظ میراث وحی از طریق نوشتار بوده¹ و پیامبران صاحب کتاب بر نوشتن این میراث تأکید داشته‌اند. این سنت در مکتب اسلام، نمودی ویژه دارد و رسول خدا افرادی را مأمور به کتابت وحی کرد. (معرفت، 1429ق، ج 1، ص 122) علاوه بر آن، احادیث متعددی از خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله مبنی بر سفارش به نوشتن حدیث نقل شده است. (احمدی میانجی، 1998م، ج 1، ص 359) اگرچه پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله عده‌ای با هدف محو آثار رسالت، کتابت حدیث را منع کردند²، حکم منع در آغاز سده دوم هجری نقض گردید و همان منع نیز فراگیر نشد و بدین سان، جامعه اسلامی به سوی جمع‌آوری احادیث و تألیف کتاب روی آورد. (هاشمی بصری، 1410ق، ج 2، ص 295/ دارمی، 1349، ج 1، ص 126) از طرف دیگر، این ممنوعیت، سد راه کتابت معارف توسط امامان شیعه نشد و از آغاز دوران امامت، ائمه هدی علیهم السلام به جمع‌آوری حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و میراث معرفتی پرداختند و این میراث را از امامی به امام دیگر منتقل کردند. (کلینی، 1365، ج 1، ص 238)

به مرور زمان، این سیره در میان اصحاب ائمه علیهم السلام رواج یافت و در دوران صادقین علیهم السلام انتقال معارف از طریق کتابت به سیره رایج در میان اصحاب بدل شد تا آنجا که راه نشر معارف، دستیابی به کتاب‌های اصحاب گردید³ و برخی از کتاب‌های این دوره به اصول مشهور شد. (ابن شهر آشوب، 1380، ص 3/ نیز برای آشنایی با تفاوت کتاب، اصل و تصنیف ر.ک: تستری، 1410ق، ج 1، ص 64)

پس از تثبیت فرهنگ کتابت و پیدایش اصول، اصحاب امامیه به سوی تألیف کتاب‌های موضوعی و نگارش جوامع حدیثی رفتند. پیشینه جامع‌نگاری را می‌توان در دوران امام صادق علیه السلام یافت. کتاب جامع ظریف بن ناصح در آن دوره نگاشته شده است. در دوره امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام کتاب‌های جامع بیشتری نوشته شده و در دوره ائمه متأخرین علیهم السلام رونق می‌یابد. (ر.ک: نجاشی، 1429ق، شماره‌های 553، 656 و 1208/ نیز ر.ک: حسینی جلالی، 1425ق، ص 140)

با آغاز دوره غیبت، رویکرد اصحاب به جامع‌نگاری فزونی یافت و دانشمندان شیعه

به تصنیف میراث حدیثی شیعه همت گماشتند.⁴ از مهم‌ترین آثار جامع بر جای مانده از دوره غیبت صغری، کتاب ارزشمند کافی، تألیف ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی است. وی از دانشمندان برجسته شیعه و عالمی شناخته شده در مجامع علمی است. نجاشی از او با عنوان شیخ اصحاب امامیه در ری و مورد وثوق‌ترین مردم و دقیق‌ترین ایشان در حدیث یاد می‌کند. (1429ق، شماره 1026) حتی سَنان نیز از کلینی به بزرگی یاد کرده‌اند. ابن اثیر در وصف وی می‌نویسد: «کلینی، فقیه و پیشوا در مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، دانشمند مذهب خود، بزرگ و برجسته و شناخته شده نزد شیعه است. (1412ق، ج 2، ص 895)

کافی، مهم‌ترین اثر کلینی به شمار می‌رود و نجاشی، مدت زمان تألیف آن را بیست سال می‌داند. (1429ق، شماره 1026) اهمیت کافی از آن جهت است که کلینی در تألیف آن، از اصول و تصانیف اولیه شیعه بهره برده و واسطه انتقال میراث دوران حضور به عصر غیبت است.

این نوشتار در پی بازشناسی آثاری است که کلینی در تدوین کافی از آن‌ها بهره جسته است. اهمیت این بازشناسی از آن روست که اصحاب امامیه کتاب‌های خویش را با بهره‌گیری از کتب اولیه اصحاب تألیف می‌کردند (ر.ک: شیخ صدوق، 1413ق، ج 1، ص 3/ شیخ طوسی، 1390ق، مشیخه، ص 304) و مهم‌ترین روش اعتبارسنجی حدیث از نگاه پیشینیان، وجود حدیث در اصول اولیه اصحاب اهل بیت علیهم‌السلام بود. (شیخ بهایی، 1414ق، ص 27/ شیخ مفید، 1413ق [ب]، ص 25)

این پژوهش نشان می‌دهد که یکی از دلایل تجلیل بزرگان از کتاب کافی (ر.ک: شیخ مفید، 1413 [الف]، ص 70) اخذ از اصول و کتاب‌های مورد اعتماد بوده و اشکالاتی که در عصر حاضر به اسناد روایات این کتاب می‌شود، از نگاه قدما، موجب ضعف روایات آن نمی‌گردد⁴ و رویکرد اعتبارسنجی حوزه حله با روش قدما در تدوین احادیث هم‌خوانی ندارد.

در این باره، با بررسی سابقه تألیف استادان کلینی یا نقش طریقی⁵ استادان او به کتب سایر اصحاب، به منابع وی در تدوین کتاب کافی دست می‌یابیم. در حقیقت، اسناد کتاب کافی از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول طریق کلینی به کتابی است

که احادیث کافی از آن دریافت شده، و بخش دوم سند حدیث تا امام معصوم علیه السلام است. از نگاه قدما طریق به کتب اصحاب در اعتبارسنجی حدیث دخیل نبوده و فقط برای ایجاد اتقان در مسیر انتقال حدیث ذکر شده است. (شیخ طوسی، 1407ق، مشیخه، ص 5) در نوشتار حاضر، با بررسی اسناد کافی و پی جویی آن در کتاب‌های فهرست، بخش طریقی سند بازشناسی شده و به منابعی که کلینی احادیث خود را از آن برداشت کرده، دست می‌یابیم.⁶

در این خصوص، با توجه به ابتدای اسناد روایات، استادان کلینی را شناسایی کرده و منابعی را که وی از طریق استادان خود به آن‌ها دست یافته، بازشناسی کرده‌ایم. ذکر این نکته لازم است که در این پژوهش، مهم‌ترین منابع کلینی مورد بازشناسی قرار گرفته، زیرا بازشناسی تمام منابع کلینی به سبب گستردگی کتاب، گستره‌ای بیش از یک مقاله می‌طلبد. با توجه به ابتدای اسناد کتاب، مشایخ وی به پنج گروه زیر قابل تقسیم‌اند:⁷

گروه اول: مشایخ رازی

ری از جمله شهرهای باستانی ایران به شمار می‌رود. (حموی، 1995م، ج 3، ص 116) موقعیت جغرافیایی این شهر به گونه‌ای است که در دوره‌های مختلف تاریخی، آباد بوده و به همین دلیل، حکومت‌ها را به سوی خود جلب کرده است. در سال 22 هجری، ری در مقابل سپاه اسلام تسلیم شد و به سرزمین‌های اسلامی پیوست. (ابن کثیر دمشقی، 1407ق، ج 7، ص 121) در قرن سوم، با هجرت حضرت عبدالعظیم حسنی (نجاشی، 1429ق، شماره 653) و دفن ایشان در این شهر و نیز مهاجرت سادات، زمینه تشیع در آنجا فراهم آمد و عده‌ای از مردم این شهر به مذهب شیعه گرویدند. (جعفریان، 1390ش، ص 233) در سال 275 ق با تسلط ماردانی بر ری، این شهر به منطقه‌ای شیعی تبدیل شد. (حموی، 1995م، ج 3، ص 121)

ری در دوره‌های مختلف، محل رشد و نمو دانشمندان و حضور عالمان بسیاری بوده است؛ از جمله دانشمندان این شهر می‌توان به زکریای رازی (ذهبی، 1413ق، ج 23، ص 426) فخر رازی (همان، ج 43، ص 212)، ابوالفتوح رازی (ابن بابویه، 1366ش، ص 48) اشاره کرد. همچنین از حدیث پژوهان شیعه و سنی و اصحاب

ائمه علیهم‌السلام افراد بسیاری در این شهر حضور داشته‌اند. (جعفریان، 1390ش، ص 252) از آنجا که ری مهد ولادت کلینی بوده، اولین حوزه تحصیلی وی به شمار می‌رود. مهم‌ترین استادان او در ری چهار نفرند:

1. علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان رازی

نخستین استاد کلینی در ری که بیشترین حجم روایات رازی کافی به او اختصاص دارد، علی بن محمد کلینی، معروف به علان است. به نقل نجاشی، علان، دایی کلینی بوده است. (نجاشی، 1429ق، شماره 1026) تعداد روایات وی در کافی 504 حدیث است. علان، خود صاحب کتاب بوده که با توجه به عنوان کتاب وی⁸ و روایات نقل شده از او در کافی، به نظر می‌رسد احادیث دو باب اشاره و نص بر امامت امام عسکری علیه‌السلام و حضرت ولی عصر علیه‌السلام از کتاب او اخذ شده است. (کلینی، 1365ش، ج 1، ص 325 و 328) اما در بیشتر موارد، وی نقش طریق به کتاب‌های دیگران را داشته است. در این میان، 199 روایات علان در کافی از سهل بن زیاد (نجاشی، 1429ق، شماره 490) و 70 روایت از صالح بن ابی حماد رازی دریافت شده است. سهل بن زیاد، صاحب کتاب نوادر بوده که از طریق علان به کلینی منتقل شده و در اختیار سایر مشایخ قرار گرفته است. (همان‌جا) صالح بن ابی حماد نیز دو کتاب با عنوان‌های خطب امیرالمؤمنین علیه‌السلام و النوادر تألیف کرده است. بیشتر روایات ابن ابی حماد در کافی از امام باقر علیه‌السلام، امام صادق علیه‌السلام و امام کاظم علیه‌السلام است که به نظر می‌رسد از کتاب نوادر او گرفته شده و علان طریق به کتاب اوست. از مجموع روایات علان، 392 مورد در بخش اصول آمده و غالب روایات او اعتقادی است.⁹

2. محمد بن حسن طائی رازی

دومین استاد پرروایت کلینی در ری، محمد بن حسن طائی رازی است. تعداد روایات او در کافی 122 مورد است. از این تعداد، وی واسطه نقل 97 حدیث از سهل بن زیاد آدمی است. اگرچه برخی «محمد بن الحسن» در اسناد کافی را صفار دانسته‌اند، با بررسی سایر اسناد، مشخص می‌شود کلینی به واسطه محمد بن یحیی العطار و احمد بن محمد عاصمی از صفار نقل حدیث می‌کند. از سوی دیگر، نجاشی در ترجمه علی بن عباس جرادینی، واسطه نقل کتاب جرادینی را مرحوم

کلینی از محمد بن حسن طائی رازی بیان کرده که خود قرینه‌ای بر نقل بی‌واسطه از طائی رازی است. (نجاشی، 1429ق، شماره 668 و بروجردی، 1409ق، ج 1، ص 52 و 349) کثرت نقل از سهل بن زیاد و یافت نشدن نام طائی در کتاب‌های فهرست، نشان می‌دهد که او نقش طریق به کتاب سهل بن زیاد را داشته و خود، صاحب کتاب نبوده است.

3. محمد بن ابی عبدالله جعفر اسدی کوفی

محمد بن جعفر اسدی، دیگر استاد کلینی است. نجاشی او را ساکن ری دانسته و در وصف وی نوشته: محمد بن جعفر، ثقه است و احادیثش صحیح بوده و کتابی با موضوع جبر و اختیار داشته است. (نجاشی، 1429ق، شماره 1020) شیخ طوسی، او را یکی از وکلای نائب امام عصر علیه السلام معرفی می‌کند. (شیخ طوسی، 1381، شماره 6278/ همو، 1425ق، ص 413) تعداد روایات وی در کافی 82 مورد بوده که 55 حدیث از آن در بخش اصول آمده است، اما با توجه به موضوع کتاب وی و مضمون روایات نقل شده توسط او، به نظر نمی‌رسد این روایات از کتاب خود او باشد. بیشتر روایات او از اسحاق بن محمد بن احمد نخعی با 18 حدیث، سهل بن زیاد 17 حدیث و محمد بن اسماعیل برمکی با 13 حدیث است. در این میان، اسحاق بن محمد نخعی (نجاشی، 1429ق، شماره 177) و سهل بن زیاد متهم به تخیل و غلو هستند و شاید از این روست که نجاشی، محمد بن جعفر اسدی را متهم به نقل از ضعفا کرده است. (همان، شماره 1020)

نام اسحاق بن محمد در 43 سند کتاب کافی درج گردیده که در 25 سند، واسطهٔ علان کلینی و در 18 سند، واسطهٔ اسدی است که در این میان، 14 روایت به طور مشترک نقل شده است. تمامی این روایات در باب «مولد ابی محمد الحسن بن علی علیه السلام» (کلینی، 1365ش، ج 1، ص 503) قرار گرفته و به جز سند اول، 13 سند دیگر تعلیقی بوده و با نام اسحاق آغاز می‌شود. این قراین به خوبی نشان می‌دهد که این مجموعه از روایات، از کتاب اسحاق بن محمد به کافی راه یافته است.

به گزارش علامه حلی، محمد بن جعفر اسدی، طریق به روایات سهل بن زیاد است. (علامه حلی، 1411ق، ج 1، ص 272) نجاشی طریق خود به کتاب التوحید محمد

بن اسماعیل برمکی را به «محمد بن جعفر از محمد بن اسماعیل» می‌رساند. (نجاشی، 1429ق، شماره 915) به نظر می‌رسد با توجه به اینکه از 13 روایت محمد بن اسماعیل 12 مورد در کتاب التوحید کافی قرار گرفته، کتاب وی نیز جزء منابع کلینی بوده و اسدی طریق به این کتاب است.

4. حسین بن حسن حسنی علوی هاشمی

شیخ طوسی در رجال خود از وی با عنوان «الحسین بن الحسن الحسنی» یاد می‌کند و او را اهل ری معرفی می‌کند (شیخ طوسی، 1381، شماره 6070) اما در دیگر کتاب‌های رجال، اطلاعی از وی در دست نیست. تعداد روایات او در کافی 9 مورد است. موضوع غالب روایات او اتفاقات تاریخی است.

در اینجا لازم است به این نکته اشاره شود که تعداد روایات سهل بن زیاد در کافی 1918 مورد بوده که حجم غالب روایات موجود در کافی از حوزه حدیثی ری را در بر می‌گیرد. از این میان، تعداد 419 مورد از حسن بن محبوب، 343 مورد از احمد بن محمد بن ابی‌نصر، 105 مورد از جعفر بن محمد بن عبیدالله و 94 مورد از محمد بن حسن بن شمون اخذ شده که بیش‌ترین سهم را در روایات سهل داراست. حسن بن محبوب، خود دارای کتاب بوده (الفهرست، شماره 162) و طریق به کتاب علی بن رثاب است. (نجاشی، 1429ق، شماره 657) احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی نیز صاحب کتاب است و به طور مستقیم از امام رضا علیه السلام نقل حدیث می‌کند. (همان، شماره 180) جعفر بن محمد بن عبیدالله اشعری، طریق به کتاب عبدالله بن میمون قدامی بوده (همان، شماره 557) و بیش از 99 درصد روایات خود در کافی را از عبدالله بن میمون گرفته است.

در کافی 93 سند به این صورت درج شده است: «عدة من أصحابنا» عن «سهل بن زیاد» عن «جعفر بن محمد (بن عبیدالله) یا (الاشعری)» عن «عبدالله بن میمون القدامی» یا (ابن القدامی). یک مورد از این اسناد به واسطه ابو عبیده حذاء و دو مورد به واسطه میمون قدامی به امام باقر علیه السلام می‌رسد. در 90 مورد دیگر، قدامی خود از امام صادق علیه السلام نقل حدیث می‌کند. از این تعداد، 40 حدیث امام صادق علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله است. عبدالله بن میمون، کتابی با عنوان مبعث النبی و اخباره «همان‌جا» نوشته که به نظر

می‌رسد این روایات از آن کتاب اخذ شده است.

محمد بن حسن بن شمون نیز روایات خود را از عبدالله بن عبدالرحمن بن اصم اخذ کرده که صاحب کتاب بوده است. نجاشی، محمد بن حسن و عبدالله بن عبدالرحمن را از غالیان می‌داند و در طریق به کتاب *نوادر شمون* می‌نویسد: احمد بن علی¹⁰ تمام کتاب‌های او را جز آنچه دارای انحراف بوده، برای ما روایت کرده است. طریق احمد بن علی به واسطه کلینی بوده است. (همان، شماره 899)

کلینی در مقدمه کافی بر این نکته تأکید می‌کند که کتاب خویش را از آثار صحیح از صادقین علیهم‌السلام تألیف کرده است. (1365 ش، ج 1، ص 8) شیخ طوسی با اشاره به عدم جواز عمل به اخبار افراد مورد اتهام و انحراف می‌نویسد: در صورت وجود دلیل بر صحت احادیث این‌گونه افراد، واجب است به احادیث ایشان عمل شود. سپس به وجه استثنای بزرگان اشاره می‌کند و دلیل استثنا را نیافتن قرینه بر صحت احادیث این افراد بیان می‌کند. (شیخ طوسی، 1417 ق، ج 1، ص 151) این سخن، شاهدی است بر اینکه بزرگان ما وقتی حدیثی را از فرد متهمی نقل کرده، نسبت به صحت آن اطمینان یافته‌اند؛ بنابراین اگرچه سهل بن زیاد مورد اتهام است و تضعیف شده، نقل از او ضرری به جایگاه احادیث کتاب کافی وارد نمی‌کند، لذا بزرگان شیعه از این کتاب تجلیل و از کلینی به بزرگی یاد می‌کنند.

همچنین در نگاه قدما، اگر شخصی در آموزه‌های جمع‌آوری شده توسط او مورد اتهام باشد، می‌تواند در نقل کتاب سایر اصحاب مورد اعتماد باشد و محدثان، کتاب‌های دیگران را از او دریافت کنند؛ به عبارت دیگر، اگر شخصی، نقش انتقال روایات سایر اصحاب را بر عهده داشته باشد، تضعیف رجالیان نسبت به وی، اشکالی در پذیرش روایات سایرین از او به وجود نمی‌آورد. (ر.ک: مجلسی، 1406 ق، ج 3، ص 498 / مؤمن سبزواری، ج 1، ص 3)

در مجموع می‌توان گفت مهم‌ترین اشخاصی که کلینی از طریق استادان ری به کتب ایشان طریق دارد، 10 مؤلف‌اند.

گروه دوم: مشایخ قم

تاریخ‌نویسان، تشیع اهالی قم را مدیون خاندان اشعری می‌دانند. مالک بن عامر اشعری،

از یاران امیر مؤمنان علیه السلام در جنگ صفین بود (ر.ک: جعفریان، 1390ش، ص 184/ عباسی، 1384ش، ص 55) و فرزند او سائب بن مالک نیز از یاران مختار و جزء خون خواهان حضرت سید الشهداء علیه السلام است. (ر.ک: دینوری، 1368ش، ص 307) این خود گواهی روشن بر تشیع خاندان اشعری است و از آنجا که اسلام آوردن اهل قم به دست این خاندان بوده، از ابتدا گرایش های شیعی در مردم قم بروز و ظهور می کند. البته در برخی از منابع تاریخی آمده که خاندان اشعری نیز در ابتدای ورود خود به قم برای حفظ جان خویش، تشیع خود را مخفی می داشتند (اشعری قمی، 1361ش، ص 279) اما با تزلزل حکومت اموی و تلاش عباسیان برای به دست گرفتن حکومت با شعار الرضا من آل محمد علیه السلام (طبری، 1387، ج 7، ص 358/ أخبار الدولة العباسیه، 1391ق، ص 194) زمینه اظهار تشیع در مناطق مختلف حکومت اسلامی مهیا شد.

در چنین فضایی، قم مرکز شیعه در ایران شد و بسیاری از علویان که برای حفظ جان خود از عراق خارج و روانه ایران می شدند، به قم و حوالی آن پناه بردند. هجرت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز یکی از عوامل مهم سفر شیعیان و سادات به ایران گردید که در پی آن، ورود حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به این شهر در سال 201 ق و ارتحال (اشعری قمی، 1361ش، ص 213) و دفن ایشان در قم، عاملی مهم در تبدیل قم به پایگاهی شیعی شد. کلینی در قم از استادان متعددی بهره جست. این گروه، اکثر مشایخ کلینی را تشکیل می دهند.

1. علی بن ابراهیم بن هاشم

مهم ترین استاد کلینی که بیش ترین حجم روایات کافی از او گرفته شده، علی بن ابراهیم است. تعداد روایات وی در کافی 5630 حدیث است. وی، فرزند ابراهیم بن هاشم است که نجاشی در وصف او می نویسد: یاران ما می گویند اولین کسی که احادیث کوفیان را در قم نشر داد، او بود. (1429ق، شماره 18) علی بن ابراهیم، بیش از 85 درصد روایات خویش را از پدرش اخذ کرده است.¹¹ ابراهیم بن هاشم، صاحب کتاب بوده و نیز طریق به کتاب ابن ابی عمیر (همان، شماره 887) و حسین بن یزید نوفلی (همان، شماره 77) است. همچنین از کتاب حریز بن عبدالله¹² به واسطه حماد بن عیسی (همان، شماره 375) و از کتاب علی بن رئاب¹³ به واسطه حسن بن محبوب

(همان، شماره 657) اخذ حدیث کرده است.¹⁴ کثرت روایت او از ابن ابی عمیر و حسین بن یزید، نشانگر آن است که وی در این روایات، طریق به کتاب آن دو بوده است.

دیگر استاد پرروایت علی بن ابراهیم، محمد بن عیسی بن عبید است. تعداد روایاتی که او از محمد بن عیسی اخذ کرده، 503 مورد است که از این تعداد، بیش از 440 مورد از یونس بن عبدالرحمن نقل شده که گواه بر نقش طریقی محمد بن عیسی نسبت به کتاب یونس است. اگرچه ابن ولید، منفردات محمد بن عیسی از کتاب یونس را استثنا کرده و به این واسطه، بی‌اعتمادی خود به او را روشن ساخته، اصحاب، این سخن ابن ولید را نپذیرفته و از وی به بزرگی یاد کرده‌اند.¹⁵

از دیگر مشایخ علی بن ابراهیم، می‌توان به هارون بن مسلم بن سعدان که طریق به کتاب مسعده بن صدقه بوده¹⁶ و صالح بن السندي که بیش از 95 درصد از روایات خود را از جعفر بن بشیر گرفته، اشاره کرد. جعفر بن بشیر، شخصی زاهد و از مؤلفان شیعه بوده است. (همان، شماره 304)

2. محمد بن یحیی عطار

محمد بن یحیی عطار، دومین استاد پرروایت کلینی است. تعداد روایات او در کافی 4842 عدد بوده که 25 درصد کتاب کافی را شامل می‌شود. از این میان، 73 درصد روایات او از احمد بن محمد بن عیسی اشعری اخذ شده است. احمد بن محمد صاحب کتاب بوده و امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام و امام عسکری علیه السلام را ملاقات کرده است. (همان، شماره 198) همچنین طریق به کتاب حسن بن محبوب (همان‌جا)، علی بن الحکم (شیخ طوسی، بی‌تا، شماره 376)، حسین بن سعید اهوازی (نجاشی، 1429ق، شماره 136 و 137)، حسن بن علی بن فضال (همان، شماره 72) و محمد بن سنان (شیخ طوسی، بی‌تا، شماره 620) است.

استاد دیگر عطار، محمد بن حسین بن ابی الخطاب است که در طریق 460 روایت محمد بن یحیی واقع شده است. وی از اهالی کوفه و صاحب کتاب بوده است. (همان، شماره 608) کتاب‌های توحید، معرفت، بداء و امامت از جمله تألیفات او به شمار می‌رود. (نجاشی، 1429ق، شماره 897) محمد بن حسین، طریق به

کتاب‌های صفوان بن یحیی (شماره 524)، محمد بن اسماعیل (شیخ طوسی، بی‌تا، شماره 706) و محمد بن سنان (همان، شماره 620) است و به واسطه محمد بن عبدالله بن هلال، کتاب عقبه بن خالد اسدی (شماره 533) را به دست محمد بن یحیی عطار رسانده است.

دیگر استاد پروایت عطار، محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری است. تعداد روایات عطار از او 216 حدیث است. وی صاحب کتاب *نوادیر الحکمه* است و عطار در طریق به کتاب او قرار دارد. (نجاشی، 1429ق، شماره 939) همچنین محمد بن احمد طریق به کتاب عمار بن موسی ساباطی¹⁷ و کتاب یونس بن عبدالرحمن¹⁸ است.

از دیگر استادان عطار، عبدالله بن محمد بن عیسی اشعری، ملقب به بنان، برادر احمد بن محمد بن عیسی اشعری است. (شیخ طوسی، 1348ش، ج 2، ص 799) تعداد روایات وی در کافی 93 حدیث است. از او در شمار صاحبان کتاب یاد نشده است. با توجه به اینکه اکثر روایات او در کافی با واسطه علی بن حکم از ابان بن عثمان است و ابان در شمار نویسندگان قرار دارد (نجاشی، 1429ق، شماره 8)، به نظر می‌رسد وی طریق به کتاب ابان است.

سلمه بن خطاب (همان، شماره 498)، عمرکی بن علی (همان، شماره 828) و عبدالله بن جعفر حمیری (شماره 573) از دیگر استادان صاحب کتاب محمد بن یحیی هستند. همچنین عطار 10 مکاتبه از امام عسکری علیه السلام نقل می‌کند که اکثر آنها، مکاتبات محمد بن حسن صفار با امام علیه السلام است. (کلینی، 1365، ج 3، ص 150، ح 3؛ ج 5، ص 125، ح 8، 181، ح 3، 307، ح 14؛ ج 7، ص 37، ح 34، 45، ح 2، 46، ح 2 و 1، 394، ح 3، 461، ح 7)

3. حسین بن محمد بن عامر اشعری

دیگر استاد قمی ثقة الاسلام کلینی، حسین بن محمد بن عامر است. وی صاحب کتاب *نوادیر* بوده و کلینی طریق شیخ طوسی و نجاشی به کتاب او بوده است. (نجاشی، 1429ق، شماره 156/ شیخ طوسی، 1381، شماره 6106) تعداد روایات او در کافی 843 عدد بوده که از این تعداد 629 مورد از معلى بن محمد بصرى اخذ شده است.

(نجاشی، 1429ق، شماره 1117) معلی بن محمد بیش از 71 درصد روایات خود را از حسن بن علی و شاء گرفته است. و شاء از صاحبان اصول بوده و طریق به کتاب ابان بن عثمان احمر است. (همان، شماره 80)

دیگر استاد حسین بن محمد، عموی او عبدالله بن عامر اشعری بوده که 74 حدیث از او اخذ شده و کتاب وی توسط حسین نقل شده است. (همان، شماره 570) عبدالله اشعری بیش از 85 درصد روایات خود را از علی بن مهزیار نقل می‌کند. این حجم فراوان می‌تواند نشانگر طریق بودن به کتاب ابن مهزیار باشد. از دیگر استادان حسین بن عامر می‌توان به احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد اشعری اشاره کرد. (همان، شماره 225)

4. احمد بن ادریس

لقب او اشعری قمی و کنیه‌اش ابوعلی است. تعداد روایات وی در کافی 823 حدیث است. شیخ طوسی و نجاشی از او با عنوان فقیه اصحاب، صحیح الروایه و کثیر الحدیث یاد کرده‌اند. (نجاشی، 1429ق، شماره 228/ شیخ طوسی، بی‌تا، شماره 81) وی بیش از 72 درصد روایات خود را از محمد بن عبدالجبار قمی اخذ کرده که 593 حدیث کافی است. شیخ طوسی از احمد بن ادریس در طریق به کتاب محمد بن عبدالجبار یاد می‌کند. (شیخ طوسی، بی‌تا، شماره 631)

استاد دیگر احمد بن ادریس، حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره بوده که تعداد احادیث احمد از او 64 مورد است. وی اهل کوفه بوده و صاحب کتاب نوادر است. (نجاشی، 1429ق، شماره 147) محمد بن حسان رازی (همان، شماره 903) با 51 حدیث، محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری (همان، شماره 939) با 42 حدیث، محمد بن سالم¹⁹ با 35 حدیث و احمد بن محمد بن عیسی اشعری (همان، شماره 198) با 15 حدیث، دیگر استادان احمد بن ادریس به شمار می‌روند که تمامی ایشان، مگر محمد بن سالم از مصنفان شیعه‌اند. محمد بن سالم نیز روایات خود را از احمد بن نصر خزاز گرفته که صاحب کتاب بوده و مورد توثیق قرار گرفته است. (همان، شماره 244) بیشتر روایات احمد بن نصر از عمرو بن شمر اخذ شده که طریق به احادیث جابر بن یزید جعفی است. (همان، شماره‌های 332 و 765)

5. علی بن محمد بن بندار

نام او علی بن محمد بن عبدالله برقی است. (درایتی، 1429ق، ص 5) پدرش معروف به ماجیلویه و جد او ملقب به بندار بود. (نجاشی، 1429ق، شماره‌های 683 و 947) تعداد روایات وی در کافی 188 حدیث است. علی بن محمد، نوۀ دختری احمد بن محمد بن خالد برقی بوده و 124 عدد از احادیث خود را از احمد بن محمد اخذ کرده است. برقی از مصنفان پرکار شیعه بوده و مجموعه المحاسن وی دربردارندۀ 90 کتاب است. (همان، شماره 182)

دیگر استاد علی بن محمد، ابراهیم بن اسحاق احمری است. تعداد 40 روایت علی بن محمد از او اخذ شده است. نجاشی و شیخ طوسی، ابراهیم احمری را ضعیف در حدیث دانسته‌اند، اما شیخ طوسی کتاب‌های او را نسبتاً خوب دانسته است. (همان، شماره 21/ شیخ طوسی، بی‌تا، شماره 9)

6. عبدالله بن جعفر حمیری

دیگر استاد قمی کلینی، عبدالله بن جعفر حمیری است. تعداد روایات وی در کافی 49 حدیث بوده که تنها نه مورد از آن مستقیم از حمیری اخذ شده و سایر احادیث به واسطه محمد بن یحیی عطار و محمد بن عبدالله که فرزند حمیری بوده نقل شده است. خصوصیت این گروه از روایات که به صورت مستقیم از او اخذ شده، این است که کلینی آن‌ها را به واسطه سعد بن عبدالله اشعری و عبدالله بن جعفر حمیری از ابراهیم بن مهزیار نقل می‌شود. با توجه به موضوع این روایات که در ولادت یا شهادت ائمه علیهم‌السلام وارد شده، به نظر می‌رسد این روایات از کتاب البشارات ابراهیم بن مهزیار اخذ شده است. (نجاشی، 1429ق، شماره 17)

7. سعد بن عبدالله اشعری

نجاشی از او به بزرگی یاد کرده و او را بزرگ، فقیه و آبروی شیعه دانسته است. وی صاحب تألیفات بسیار بوده و برای جمع‌آوری احادیث، مسافرت‌های زیادی داشته است. همچنین احادیث بسیاری از اهل سنت شنیده است. (همان، شماره 467) تعداد روایات وی در کافی 27 حدیث است که از این تعداد، 14 حدیث به واسطه محمد بن

یحیی عطار، یک حدیث به واسطهٔ علان کلینی و 12 حدیث بدون واسطه از او نقل شده است.

چنان که بیان شد، خصوصیت احادیث بدون واسطهٔ کلینی از سعد در این است که موضوع این روایات، ولادت و شهادت ائمه علیهم السلام است. (کلینی، 1365، ج 1، ص 457، ح 10 و 458، ح 11 و 461، ح 2 و 463، ح 1 و 468، ح 6، 472 و 475، ح 7، 8 و 486، ح 9 و 491، ح 11 و 497، ح 12) سعد بن عبدالله، غالب این احادیث را از ابراهیم بن مهزیار اخذ کرده و ابراهیم، مؤلف کتابی با عنوان *البشارات* بوده است. طریق دیگر کلینی به احادیث ابراهیم بن مهزیار، عبدالله بن جعفر حمیری است.

8. محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری

وی فرزند عبدالله بن جعفر حمیری است. تعداد روایات او در کافی 10 عدد بوده که تمام آن را از پدر خود نقل می‌کند. (همان، ج 1، ص 329، ح 1 و 527، ح 3؛ ج 3، ص 552، ح 7؛ ج 4، ص 174، ح 24؛ ج 5، ص 563، ح 31؛ ج 6، ص 35، ح 3 و ص 358، ح 6؛ ج 7، ص 114، ح 10) محمد از مؤلفان به شمار می‌رود و به گفتهٔ نجاشی، نامه‌هایی به امام عصر علیه السلام نوشته است. (نجاشی، 1429ق، شماره 949)

9. محمد بن احمد بن علی بن صلت اشعری

وی برادرزادهٔ عبدالله بن صلت قمی و راوی از اوست. تعداد روایات برگرفته از محمد در کافی 10 حدیث بوده که همهٔ آنها را از عموی خویش نقل می‌کند. عبدالله بن صلت قمی، نویسندهٔ کتاب تفسیر بوده است. (همان، شماره 564) از 10 حدیث نقل شده از او توسط محمد بن احمد، 8 مورد در تفسیر آیات، یک مورد در زمینهٔ تلاوت سورهٔ واقعه توسط امام و یک مورد با موضوع خوف و رجا است که به نظر می‌رسد، تمامی این احادیث از کتاب او برگرفته شده است.

مجموع مؤلفانی که کلینی به واسطهٔ استادان قم از آثار ایشان بهره برده، 47 نفرند.

گروه سوم: مشایخ کوفه و بغداد

سرزمین عراق در سال 12 هجری توسط لشکر اسلام فتح شد. (طبری، 1387، ج 3، ص 343) کوفه از جمله شهرهایی است که در پی فتوحات اسلامی بنا گردید. (حموی، 1995م، ج 4، ص 491) بغداد نیز منطقه‌ای خوش آب و هوا بود که در زمان عباسیان به

شهر و پایتخت اسلامی بدل شد. (همان، ج 1، ص 457/ بلاذری، 1988م، ص 270) سرزمین عراق به دلیل مرکزیت حکومت امیر مؤمنان علیه السلام و شهادت و تدفین امام حسین علیه السلام در آن، منطقه‌ای شیعی شد. مسافرت‌های امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به نجف، کوفه و کربلا (ثقفی، 1395ق، ج 2، ص 851/ ابن طاوس، بی تا، ص 51)، زندانی شدن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و حصر امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام در بغداد و سامرا موجب تمرکز جامعه شیعه در این سرزمین گردید. (جعفریان، 1390ش، ص 103) بسیاری از میراث اولیه حدیثی شیعه توسط اصحاب اهل کوفه تدوین شده است. (شفیعی، 1389ش، ص 221) از آنجا که اکثر راویان این گروه از مشایخ کلینی، اهل کوفه بوده و به بغداد نیز مسافرت داشته و یا ساکن بغداد بوده‌اند، بحث از این مشایخ در یک گروه ارائه می‌گردد.

1. حمید بن زیاد کوفی

وی اهل کوفه بوده و در نینوا ساکن شده است. نجاشی، 11 عنوان کتاب برای او ذکر کرده و تاریخ وفات وی را سال 310 هجری بیان کرده است. (1429ق، شماره 339) تعداد روایات وی در کافی 435 حدیث بوده که از این تعداد، 396 مورد از حسن بن محمد بن سماعه، 19 مورد از عبیدالله بن احمد بن نهیک که صاحب کتاب نوادر بوده (همان، شماره 615) و 14 مورد، از حسن بن موسی خشاب اخذ شده است. نجاشی، حسن بن محمد بن سماعه را واقفی و متعصب در وقف معرفی کرده، اما او را ثقه و کثیر الحدیث دانسته است. (همان، شماره 84) حسن بن موسی خشاب نیز از بزرگان اصحاب بوده و دو کتاب نوادر و رد بر واقفه تألیف کرده است. (همان، شماره 85)

2. احمد بن محمد عاصمی

اصل او کوفی بوده و از مشایخ آن شهر سماع حدیث کرده و سپس به بغداد رفته است. (همان، شماره 232) تعداد روایات وی در کافی 136 حدیث است که 75 حدیث را از علی بن حسن بن فضال دریافت کرده است. نجاشی از علی بن حسن بن فضال با عنوان فقیه اصحاب کوفه یاد کرده و به 35 عنوان کتاب او اشاره کرده است. (همان، شماره 676) راوی دیگری که احمد بن محمد از او اخذ حدیث کرده،

محمد بن حسن صفار است. مجموع روایاتی که به واسطهٔ احمد بن محمد عاصمی در کافی از صفار نقل شده، 25 حدیث بوده که 20 مورد از آن در بصائر هم موجود است. این مطلب می‌تواند قرینه‌ای بر واسطه بودن احمد بن محمد عاصمی در نقل کتاب بصائر باشد.²⁰

3. محمد بن جعفر رزاز کوفی

نام وی در کتاب‌های رجالی در میان مؤلفان ذکر نشده و به نظر می‌رسد فقط نقش طریق به کتاب‌های دیگران را دارد.²¹ کلینی از او با عنوان رزاز کوفی یاد می‌کند. (1365، ج 4، ص 578، ح 3) تعداد روایات وی در کافی 57 حدیث بوده که 32 مورد آن از ایوب بن نوح بن دراج و 15 مورد از محمد بن عیسی بن عبید اخذ شده است. ایوب بن نوح از مؤلفان و وکیل امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام است. (نجاشی، 1429ق، شماره 254) محمد بن عیسی نیز صاحب کتاب و از بزرگان اصحاب به شمار می‌رود. (همان، شماره 896)

4. حسین بن احمد بن عبدالله مالکی اسدی

وی در بغداد نقل حدیث کرده است. (خطیب بغدادی، 1986م، ج 8، ص 4، ش 4034) به نظر می‌رسد، حسین بن احمد خود صاحب کتاب نبوده، زیرا در زمرهٔ مؤلفان از او یاد نشده است. روایات او در کافی 6 عدد بوده که از این تعداد، چهار روایت از احمد بن هلال کرخی عبرتایی اخذ شده که صاحب کتاب نوادر است. (نجاشی، 1429ق، شماره 199)

5. احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عقده

احمد بن محمد از اهالی کوفه بوده و به بغداد سفرهایی داشته است. اگرچه مذهب او زیدی جارودی بوده، به گفتهٔ نجاشی در حدیث امانتدار است. (همان، شماره 233) تعداد روایات وی در کافی 5 حدیث است که همهٔ این روایات از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل گردیده است. وی کتابی با عنوان ما روی عن امیرالمؤمنین علیه السلام تألیف کرده که به نظر می‌رسد این روایات از آن کتاب گرفته شده است.

6. محمد بن علی بن معمر کوفی

دیگر استاد کوفی کلینی که در واسط هم بوده، محمد بن علی بن معمر است. شیخ

طوسی به نقل از ابن ندیم، کتابی با عنوان *قرب الاسناد* را به وی نسبت می‌دهد. (شیخ طوسی، بی‌تا، شماره 873) تعداد روایات وی در کافی 3 حدیث است.

7. حبیب بن حسن کوفی²²

از او اطلاع دقیقی در کتاب‌های رجالی یافت نشد. تعداد روایات وی در کافی 3 حدیث بوده که موضوع تمام آن‌ها حدود شرعی است. (کلینی، 1365، ج 7، ص 229، ح 4 و 5، ص 260، ح 2) دو روایت او از محمد بن عبدالحمید عطار (نجاشی، 1429ق، شماره 906) و یک روایت از محمد بن ولید بجلي خزاز (همان، شماره 931) اخذ شده که هر دوی ایشان صاحب کتاب نوادر بوده‌اند.

8. علی بن ابراهیم علوی جوانی هاشمی

دیگر استاد عراقی کلینی که ساکن و متوفای کوفه (العلوی العمری، 1409ق، ص 196) بوده، علی بن ابراهیم علوی است. (نجاشی، 1429ق، شماره 687) تعداد روایات او در کافی، 2 حدیث از حضرت رضا علیه السلام است. تعداد مؤلفان این گروه که کلینی از آثار ایشان در تدوین کافی بهره برده، سیزده نفر است.

گروه چهارم: مشایخ سایر حوزه‌ها

این گروه از مشایخ کلینی افرادی هستند که انتسابشان به یک منطقه مشخص است، اما معلوم نیست کلینی در کجا ایشان را ملاقات، و اخذ حدیث کرده است. این عده از اهالی شهرهای آذربایجان، نیشابور، قزوین و دینور²³ هستند. در این میان، تعداد روایاتی که کلینی از شیخ نیشابوری خود اخذ کرده، مورد اعتناست.

1. محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری

او راوی احادیث فضل بن شاذان نیشابوری است. تعداد روایات او در کافی 575 عدد بوده که در تمامی این روایات، واسطه بین کلینی و فضل بن شاذان است. غالب روایات فضل بن شاذان در کافی از ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و حماد بن عیسی اخذ شده که هر سه از مؤلفان کتب شیعه به شمار می‌روند. فضل نیز از افرادی است که دارای تألیفات بسیاری بوده و به گفته کنجی 180 کتاب تألیف کرده است. (نجاشی، 1429ق، شماره 840)

2. حسن بن علی علوی هاشمی دینوری

کلینی از او نه روایت بدون واسطه و یک روایت به واسطه محمد بن یحیی عطار نقل می‌کند. در کتاب‌های رجالی، اطلاعی از او درج نگردیده است. دینور از توابع شهر کرمانشاه است که در دوره کنونی نام آن به میانراهان تغییر یافته است.

3. قاسم بن علاء

وی اهل آذربایجان و وکیل امام عصر علیه السلام بوده است. (شیخ طوسی، 1425ق، ص 276 / قطب‌الدین راوندی، 1409ق، ج 1، ص 466 / شیخ صدوق، 1395ق، ج 2، ص 442) شیخ طوسی از او با جلالت قدر یاد کرده و او را اهل همدان معرفی کرده است. (شیخ طوسی، 1381، شماره 6243) تعداد روایات وی در کافی، دو حدیث است.

4. محمد بن محمود ابو عبدالله قزوینی

از وی اطلاعی در کتاب‌های رجالی یافت نشد. تعداد روایات او در کافی دو حدیث است.²⁴ با بررسی تعداد روایات این گروه از استادان کلینی مشخص می‌شود تعداد 588 حدیث کتاب کافی از ایشان دریافت شده که از آثار چهار مؤلف دریافت گردیده است.

با تکیه بر گزارش ابن عساکر، محمد بن احمد خفاف نیشابوری و محمد بن علی جعفری سمرقندی از مشایخ دیگر شرقی کلینی هستند که در کتب موجود، روایت کلینی از آنها یافت نشد. (ابن عساکر، 1418ق، ج 56، ص 297، ش 7126) گروه پنجم: مشایخی که محل سکونتشان معلوم نیست.

این گروه از مشایخ کلینی افرادی‌اند که کمترین اطلاعات در مورد ایشان در کتاب‌های رجالی و تاریخی درج شده است.

1. احمد بن مهران

مجموع احادیث او در کافی، 75 حدیث بوده که از این تعداد، 55 حدیث از محمد بن علی ابوسمینه و 18 حدیث از عبدالعظیم حسنی است. ابو سمینه از مؤلفان است، اما به جرم غلو توسط احمد بن محمد بن عیسی اشعری از قم اخراج شد. (نیجاشی، 1429ق، شماره 894) دلیل این برخورد احمد اشعری می‌تواند فراوانی

دریافت حدیث از افراد متهم به غلو باشد، زیرا وی بیشتر روایات خود را از مفضل بن صالح (همان، شماره 332)، محمد بن الفضیل (شیخ طوسی، 1381، شماره 5124 و 5422) و محمد بن سنان (نجاشی، 1429ق، شماره 888) دریافت کرده که هر سه ایشان متهم به غلوئند. جناب عبدالعظیم حسنی نیز صاحب کتاب بوده است. تمامی روایات احمد بن مهران از حضرت عبدالعظیم در کافی با موضوع قرائت و تفسیر آیات قرآن کریم است.

2. ابو داود

وی از حسین بن سعید اهوازی متوفای در قم (همان، شماره 137/ شیخ طوسی، بی تا، شماره 230) بسیار روایت می کند و گویا در قم می زیسته است. تعداد روایات او در کافی، 20 حدیث بوده که 19 مورد آن از حسین بن سعید اخذ شده که احتمال طریق بودن وی به کتاب حسین بن سعید را تقویت می کند. مجموع روایات این گروه 95 حدیث است و مؤلفان این گروه سه نفرند.

نتیجه گیری

1. با بررسی اسناد کتاب کافی، این نکته آشکار می شود که کلینی کتاب خود را با مراجعه به اصول اصحاب ائمه علیهم السلام و کتاب های مصنفان مشهور شیعه تدوین کرده است و اسناد روایات، طریق به کتاب های اصحاب است.

2. مهم ترین آثار مورد استفاده کلینی در حوزه حدیثی ری از 10 مؤلف، در قم از 47 مؤلف، در عراق از 13 مؤلف و در سایر حوزه هایی که انتساب مؤلف به آن حوزه مشخص است از 4 مؤلف است. همچنین از تألیفات 3 مؤلف نیز استفاده شده که حوزه حدیثی ایشان مشخص نیست. در این میان، کلینی آثار برخی از مؤلفان را از حوزه های مختلف حدیثی دریافت کرده است، لذا مجموع مهم ترین مؤلفانی که از کتب ایشان اخذ حدیث کرده، 63 نفر است.

3. نویسندگانی که کلینی از آثار ایشان بهره برده، عبارت اند از:

ابان بن عثمان؛ ابراهیم بن اسحاق؛ ابراهیم بن مهزیار؛ ابراهیم بن هاشم؛ احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی؛ احمد بن محمد بن خالد برقی؛ احمد بن محمد بن سعید

ابن عقده؛ احمد بن محمد بن عیسی اشعری؛ احمد بن هلال کرخی؛ اسحاق بن محمد بن احمد نخعی؛ ایوب بن نوح بن دراج؛ جابر بن یزید جعفی؛ جعفر بن بشیر؛ حریر بن عبدالله سجستانی؛ حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره؛ حسن بن علی بن فضال؛ حسن بن علی و شاء؛ حسن بن محبوب؛ حسن بن محمد بن سماعه؛ حسن بن موسی خشاب؛ حسین بن سعید اهوازی؛ حسین بن محمد بن عامر؛ حسین بن یزید نوفلی؛ حماد بن عیسی؛ حمید بن زیاد کوفی؛ سعد بن عبدالله اشعری؛ سلمه بن خطاب؛ سهل بن زیاد؛ صالح بن ابی حماد؛ صفوان بن یحیی؛ عبدالعظیم بن عبدالله حسنی؛ عبدالله بن جعفر حمیری؛ عبدالله بن صلت قمی؛ عبدالله بن عامر؛ عبدالله بن عبدالرحمن بن اصم؛ عبدالله بن میمون قداح؛ عبیدالله بن احمد بن نهیک؛ علی بن ابراهیم بن هاشم؛ علی بن حسن بن فضال؛ علی بن حکم؛ علی بن رثاب؛ علی بن محمد بن ابان رازی؛ علی بن مهزیار؛ عمار بن موسی ساباطی؛ عمرکی بن علی؛ فضل بن شاذان نیشابوری؛ محمد بن ابی عمیر؛ محمد بن احمد بن یحیی بن عمران؛ محمد بن اسماعیل البرمکی؛ محمد بن اسماعیل بن بزیع؛ محمد بن حسان رازی؛ محمد بن حسن بن صفار؛ محمد بن حسین بن ابی الخطاب؛ محمد بن سنان؛ محمد بن عبدالجبار؛ محمد بن عبدالحمید عطار؛ محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری؛ محمد بن علی ابوسمینه؛ محمد بن علی بن معمر کوفی؛ محمد بن عیسی بن عبید؛ محمد بن ولید بجلی؛ مسعده بن صدقه؛ یونس بن عبدالرحمن.

کتاب‌هایی که به صورت مشخص می‌توان از آن‌ها به عنوان منابع کلینی در تدوین کافی یاد کرد عبارت‌اند از:

اخبار القائم علیه السلام از علان کلینی؛ البشارات ابراهیم بن مهزیار؛ خطب امیر المؤمنین علیه السلام از صالح بن ابی حماد؛ کتاب ابان بن عثمان؛ کتاب التفسیر عبدالله بن صلت قمی؛ کتاب التوحید محمد بن اسماعیل برمکی؛ کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی؛ کتاب خطب امیر المؤمنین علیه السلام از مسعده بن صدقه؛ کتاب دیات علی بن رثاب؛ کتاب عبدالله بن عامر اشعری؛ کتاب عمار بن موسی ساباطی؛ کتاب ما روی عن امیر المؤمنین علیه السلام از ابن عقده؛ کتاب مبعث النبی صلی الله علیه و آله و اخباره؛ کتاب نوادر الحکمه محمد بن احمد بن یحیی اشعری؛ کتاب نوادر حسین بن محمد بن عامر؛ کتاب وصیت و امامت علی بن رثابغ

المحاسن احمد بن محمد بن خالد؛ نوادر احمد بن هلال کرخی؛ نوادر حریر بن عبدالله سجستانی؛ نوادر حسن بن موسی خشاب؛ نوادر سهل بن زیاد؛ نوادر صالح بن ابی حماد؛ نوادر عبیدالله بن احمد بن نهیک؛ نوادر محمد بن حسن شمون.

4. این پژوهش بر این نکته تأکید می‌کند که در اعتبارسنجی روایات، منبع‌شناسی تألیفات حدیثی لازم است و در سیره قدما، پذیرش یا رد کتاب‌های حدیثی مبتنی بر اعتبار منابع آن کتاب‌ها بوده است. از این روست که کتاب کافی نزد پیشینیان از اعتبار و جایگاه والایی برخوردار است و مرجع سایر نگاهشده‌های پس از خود می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها:

1. ر.ک: کلینی، 1365، ج 1، ص 227 باب «ان الائمه علیهم السلام عندهم جميع الكتب التي نزلت من عند الله عزوجل و انهم يعرفونها على اختلاف الستتها».

2. برای آگاهی از علل و انگیزه‌های جعل حدیث ر.ک: مهدوی‌راد، 1388 ش، ص 216.

3. کشی در گزارشی از امام صادق علیه السلام عملکرد مغیره بن سعید را چنین توصیف می‌کند: «مغیره بن سعید بر پدرم دروغ بست. او به واسطه یاران پنهانی خویش، کتاب‌های اصحاب پدرم را از ایشان می‌گرفت و در آن به صورت مخفیانه، مطالب کفرآمیز می‌افزود و به پدرم نسبت می‌داد. سپس آن کتاب‌ها را به یاران خویش بازمی‌گرداند و به ایشان دستور می‌داد آن‌ها را در میان شیعه رواج دهند. (شیخ طوسی، 1348 ش، ج 1، ص 225) این روایت نشان می‌دهد که نشر معارف در این دوره از طریق کتاب رواج داشته و مغیره نیز برای ایجاد انحراف، به سمت روش رایج رفته و مطالب خود را از آن طریق نشر داد.

4. شیخ مفید در ردّ روایاتی که ماه رمضان را همیشه 30 روز معرفی می‌کند، اشکال سندی کرده و از این طریق، روایات را طرد می‌کند، اما در مورد کافی با اینکه همان افراد در طریق روایات قرار دارند، از آن به بزرگی یاد می‌کند. (ر.ک: شیخ مفید، 1413 ق [ب]، ص 20 و 22)

5. منظور از طریق، افرادی هستند که کتاب یک مؤلف به وسیله ایشان در اختیار دیگران قرار می‌گیرد. نمونه‌ای از طریق به کتاب، در رجال نجاشی چنین است: «و قرأت أنا کتاب الصیام علیه فی مشهد العتیقة عن ابن الزبیر عن علی بن الحسن و أخبرنا بسائر کتب ابن فضال بهذا الطريق. و أخبرنا محمد بن جعفر فی آخرین عن أحمد بن محمد بن سعید عن علی بن الحسن بکتبه.» (نجاشی، 1429 ق، شماره 676)

6. برای آشنایی با این روش ر.ک: عمادی حائری، 1388ش، مقاله «منابع نعمانی در غیبت» از سید محمد جواد شبیری زنجانی.
7. این تقسیم توسط جناب حجت الاسلام سید محمد جواد شبیری زنجانی ارائه شده است. (ر.ک: نرم افزار درایه نور، بخش «درباره درایه نور»)
8. عنوان کتاب علان، کتاب اخبار القائمین عليه السلام است. (نجاشی، 1429ق، شماره 682)
9. تعداد 99 مورد از این روایات به واسطه سهل بن زیاد است.
10. ابوالعباس احمد بن علی بن نوح استاد نجاشی. (ر.ک: همان، شماره 1050)
11. مجموع روایات علی بن ابراهیم از پدرش 4819 مورد است.
12. حریر عبدالله مؤلف کتاب الصلاة و کتاب النوادر است. (همان، شماره 375) با توجه به مضمون روایات وی در کافی می توان گفت هر دو کتاب منبع کلینی در کافی بوده است.
13. تعداد روایات وی در کتاب الحجّه، 21 حدیث و در کتاب الدیات، 26 حدیث است. عنوان کتاب های او عبارت اند از: کتاب الوصیّه و الامامه و کتاب الدیات. (همان، شماره 657)
14. تعداد احادیث ابراهیم بن هاشم از حماد بن عیسی، 567 عدد و از حسن بن محبوب، 657 عدد است.
15. «و ذکر أبو جعفر بن بابویه عن ابن الولید أنه قال: ما تفرد به محمد بن عیسی من کتب یونس و حدیثه لا یعتمد علیه. و رأیت أصحابنا ینکرون هذا القول و یقولون: من مثل أبی جعفر محمد بن عیسی.» (ر.ک: همان، شماره 896)
16. عنوان کتاب وی، خطب امیرالمؤمنین عليه السلام است. (همان، شماره 1108)
17. وی، کتاب عمار را از طریق احمد بن حسن بن علی بن فضال از عمرو بن سعید از مصدق بن صدقه اخذ کرده است. (ر.ک: شیخ طوسی، بی تا، شماره 527)
18. وی کتاب یونس را از طریق محمد بن عیسی بن عبید نقل می کند. محمد بن عیسی در طریق شیخ طوسی و نجاشی به کتاب یونس نیز واقع شده است. (ر.ک: همان، شماره 813/نجاشی، 1429ق، شماره های 896 و 1208)
19. هیچ اطلاعی از او در کتاب های حدیثی درج نشده است.
20. در گفت و گویی با حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی ایشان گفتند: «این کثرت نمی تواند به صورت اتفاقی باشد و دلالت بر واسطه بودن احمد بن محمد عاصمی در نقل بصائر می نماید.»
21. نجاشی در 19 طریق خود به کتاب های اصحاب از او یاد می کند. (ر.ک: 1429ق، شماره های 1140، 1128، 1089، 1005، 975، 964، 939، 896، 635، 631، 622، 613، 427، 418، 394، 1143، 1205)

22. قطب راوندی و شیخ صدوق در اسناد خود از او با عنوان کوفی یاد کرده‌اند. (ر.ک: قطب‌الدین راوندی، 1368 ش، ص 313/ شیخ صدوق، 1386 ش، ج 2، ص 524)
23. میانراهان استان کرمانشاه
24. ظاهر عبارت کافی، نقل روایت از وی در غیر قزوین است: «و حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْقَزْوِينِيُّ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْهُمْ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّقَلِيُّ بِقَزْوِينَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَيْسَى الْعَلَوِيِّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ صُهَيْبِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» (ر.ک: کلینی، 1365، ج 1، ص 49، ح 5)

منابع

1. ابن اثیر الجزری، المبارک بن محمد، تمه جامع الاصول فی احادیث الرسول، تحقیق بشیر محمد عیون، بیروت: دارالفکر، 1412 ق.
2. ابن بابویه، منتجب‌الدین، الفهرست، تحقیق سید جلال‌الدین محدث ارموی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1366 ش.
3. ابن شهر آشوب، رشیدالدین محمد بن علی، معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعه و أسماء المصنفین قدیما و حدیثا، نجف: منشورات المطبعة الحیدریه، 1380 ق.
4. ابن طاوس، عبدالکریم بن احمد، فرحہ الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فی النجف، قم: منشورات الرضی، بی تا.
5. ابن عساکر، علی بن الحسن بن هبة الله، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر، 1418 ق.
6. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر، 1407 ق.
7. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، قم: دارالحدیث، 1998 م.
8. اشعری قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، تحقیق سید جلال‌الدین تهرانی، تهران: توس، 1361 ش.
9. بروجردی، محمدحسین، تجرید اسانید الکافی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، 1409 ق.
10. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت: دار و مکتبه الهلال، 1988 م.

11. تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم: دفتر نشر اسلامی، 1410ق.
12. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق جلال‌الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی، 1395ق.
13. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، تهران: علم، 1390ق.
14. حبیب العمیدی، ثامر هاشم، الشیخ الكلینی البغدادی و كتابه الكافی، قم: مكتب الاعلام الاسلامی، 1414ق.
15. حسینی جلالی، محمدحسین، درایه الحدیث، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1425ق.
16. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دار صادر، 1995م.
17. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1986م.
18. دارمی، عبدالله بن بهرام، السنن، دمشق: باب البرید، 1349ق.
19. درایتی، محمدحسین، مقدمه کافی، قم: دار الحدیث، 1429ق.
20. دینوری، ابو حنیفه احمد بن داود، الأخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی، 1368ش.
21. ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتاب العربی، 1413ق.
22. شفیعی، سعید، مکتب حدیثی شیعه در کوفه، قم: دارالحدیث، 1389ش.
23. شیخ بهایی، محمد بن حسین، مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، 1414ق.
24. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرایع، قم: مکتبه الداوری، 1386ق.
25. _____، کمال‌الدین و تمام النعمه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامیه، 1395ق.
26. شیخ طوسی، محمد بن الحسن، اختیار معرفه الرجال، تحقیق حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد، 1348ش.
27. _____، الرجال، نجف: حیدریه، 1381ق.
28. _____، العده فی اصول الفقه، قم: چاپخانه ستاره، 1417ق.
29. _____، الفهرست، نجف: المکتبه المرتضویه، بی‌تا.

30. _____، الغیبه، تحقیق عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1425ق.
31. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الرد علی اصحاب العدد، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، 1413ق [ب].
32. _____، تصحیح اعتقادات الامامیه، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، 1413ق [الف].
33. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، 1387ق.
34. عباسی، غلامعلی، قم در عصر حضور ائمه علیهم السلام و غیبت صغری، قم: زائر، 1384ش.
35. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، قم: دارالذخائر، 1411ق.
36. العلوی العمری، علی بن محمد، مجدی فی انساب الطالبیین، تحقیق احمد مهدوی دامغانی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1409ق.
37. عمادی حائری، سید محمد، بازسازی متون کهن حدیث شیعه، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، 1388ش.
38. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، 1409ق.
39. _____، قصص الانبیا، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1368ش.
40. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1365.
41. مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، 1406ق.
42. معرفت، محمد هادی، تلخیص التمهید، قم: ذوی القربی، 1429ق.
43. مهدوی راد، محمدعلی، تدوین الحدیث عند الشیعۀ الامامیه، تهران: هستی نما، 1388ش.
44. مؤمن سبزواری، محمدباقر بن محمد، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، نرم‌افزار کتابخانه نور-جامع فقه اهل بیت علیهم السلام، نسخه 1/2.
45. نامعلوم، أخبار الدوله العباسیه، بیروت: دار الطلیعه، 1391ق.

206 □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال ششم، شماره یازدهم، بهار و تابستان 1393

46. نجاشی، احمد بن علی بن احمد، فهرس اسماء مصنفی الشیعہ، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: جامعہ مدرسین، 1429ق.

47. نیومن، اندرو جی، دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی، قم: شیعه شناسی، 1386ش.

48. هاشمی بصری، محمد بن سعد، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1410ق.